

# اجبار به انتخاب و مواجهه با پیامدهای ناگزیر

## چگونه با پیامدهای ناخواسته انتخاب‌های خود مواجه شویم؟

ایزدان منصوریان\*

آنچه به آن «پیامدهای ناخواسته»<sup>۱</sup>، «نتایج غیرمنتظره»<sup>۲</sup> یا «عواقب پیش‌بینی نشده»<sup>۳</sup> می‌گویند و کتاب همزیستی باژدها به تبیین همین موضوع می‌پردازد.

همزیستی باژدها: زندگی اخلاقی در دنیایی پر از پیامدهای ناخواسته. دارل کوئن. ترجمه بهار رها دوست. تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۷. ۲۰۸ ص. ۲۸۰۰۰۰ ریال.

### مقدمه

انتخاب همیشه با اضطراب همراه است. اضطراب ناشی از پیامدهای ناخواسته‌ای که دیر یا زود پدیدار می‌شوند، اما معمولاً راهی برای پیش‌بینی اغلب آن‌ها در اختیار نداریم. فقط زمانی از وجودشان آگاه می‌شویم که دیگر دیر شده و امکان بازگشت به شرایط قبلی وجود ندارد. گاهی این عواقب آن قدر هولناک است که آدم آرزوی کندای کاش اصلاً مجبور به انتخاب نبود تا برای همیشه از شر این نگرانی‌ها خلاص می‌شد؛ اما زندگی بدون تصمیم‌گیری و انتخاب میسر نیست. هر یک از ما، فارغ از اینکه کجا هستیم و به چه کاری مشغول، پیوسته ناچاریم که تصمیم‌های ریز و درشتی بگیریم. تصمیم ممکن است ساده یا پیچیده، عاقلانه یا عاشقانه، خودخواهانه یا خیرخواهانه، فردی یا جمعی و در نهایت شتاب‌زده یا همراه با تأمل باشد. برخی از این تصمیم‌ها سرنوشت‌ساز هستند، مثل انتخاب همسر، شغل و محل سکونت و برخی به ظاهر کم‌اهمیت‌اند، مثل اینکه چه لباسی برای مهمانی بپوشیم یا چه غذایی برای نهار بخوریم؛ اما دو نکته اساسی در نفس هر انتخاب نهفته که آن را به بخشی حیاتی در زندگی تبدیل می‌کند.

نخست، اجبار در انتخاب است که ظاهری متناقض دارد؛ زیرا ظاهراً جبر و اختیار متضادند؛ اما در اینجا هم‌زاد

یکدیگرند. به سخنی دیگر، ضرورت انتخاب آن را به اجباری گریزناپذیر تبدیل می‌کند و این یکی از متناقض‌نماهای (پارادوکس‌های) بنیادین زندگی است. در نتیجه ما مجبور به انتخاب هستیم و هرگز از آن رهایی نداریم. بی‌تردید، در غیاب تصمیم‌گیری زندگی ناممکن است و زیستن در سایه تردید رنج‌بزرگی است که روان انسان را رنجور می‌کند. دوم آنکه پیامد یا پیامدهای تصمیم‌های ما تا حد زیادی خارج از دامنه اختیار ماست.

### درباره مؤلف و مترجم

دارل کوئن<sup>۴</sup>، متولد ۱۹۵۴، دانش‌آموخته دانشگاه شیکاگو و استاد فلسفه در دانشگاه دوپل<sup>۵</sup> امریکا است. متخصص فلسفه اخلاق و زمینه‌های مرتبط به آن است و کارنامه‌ای درخشان در این حوزه دارد. کتاب‌هایی مثل بستر اخلاق حرفه‌ای<sup>۶</sup> (۱۹۹۵)، بازاندیشی اخلاق فمینیستی<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) و سرشت شر<sup>۸</sup> (۲۰۰۵) از جمله آثار مشهورش محسوب می‌شوند.

بهار رها دوست مترجم کتاب حاضر است که پیش از این نیز کتاب سرشت شر را به فارسی برگردانده است. رها دوست علاوه بر تخصص در کتابداری و اطلاع‌رسانی (علم اطلاعات و دانش‌شناسی)، سال‌ها در عرصه‌های مختلف پژوهش، ترجمه و شعر فعال بوده است. در کارنامه شاعری خود چند مجموعه شعر نظیر پنج پرده از چهار فصل عشق، چهار آندوه، شعر بی‌هوای و شش لحظه تا محال دارد. در قلمرو نویسندگی نیز افزون بر نگارش آثار تخصصی نظیر فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی و اصطلاحنامه‌پن‌شکی فارسی همیشه با نگاهی تأملی و انتقادی به مقوله نویسندگی نگر بسته است. کتابی با عنوان چرانویسنده بزرگی نشدم؟ نمونه‌ای از این نگرش است. شش سال پیش یادداشتی درباره این کتاب نوشتم که در همین مجله منتشر شد.<sup>۹</sup>

رها دوست تاکنون دو کتاب از کوئن ترجمه کرده که هر دو به همت نشر هنوز روانه بازار نشر شده‌اند. سرشت شر در سال ۱۳۹۵ به بازار آمد. اثری تحلیلی و بارویکردی میان‌رشته‌ای که افزون بر ماهیتی فلسفی پیوندهای عمیقی با ادبیات، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد. کتاب حاضر - همزیستی باژدها - نیز همچون اثر نخست ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و از ساختاری منطقی و استدلالی مستحکمی برخوردار است. تا آنجا که می‌دانم



این دو کتاب تنها آثاری است که تا امروز از کوئن به فارسی ترجمه شده‌اند.

### مروری بر متن

بحث اصلی این کتاب مفهوم «پیامدهای ناخواسته» و چگونگی مواجهه با آن است؛ به نحوی که کمترین رنج و هزینه را به همراه داشته باشد. مشکلی که هر یک از مادر طول زندگی بارها با آن روبه‌رو شده‌ایم و همچنان روبه‌رو خواهیم شد. کوئن در نخستین فصل به تعریف واژه‌ها و مفاهیم بنیادین می‌پردازد. او در پاسخ به این پرسش که «پیامد ناخواسته چیست؟» می‌نویسد: «به باور من پیامد ناخواسته نتیجه پیش‌بینی نشده عمل هدفمند، قانون یا سیاستی است که انسان‌ها و سایر موجودات زنده خود را با آن سازگار می‌کنند.» (ص. ۲۵). البته بلافاصله تأکید می‌کند که منظور از انتخاب‌های آگاهانه و آزادانه انسان است و نه هر واکنش طبیعی یا غریزی اجتناب‌ناپذیر. به این معنا که مفهوم پیامد ناخواسته ناظر به شرایطی است که در آن می‌توانستیم به گونه‌ای دیگر عمل کنیم؛ یعنی در انتخاب خود تا حد زیادی آگاه و آزاد بوده‌ایم. در سطح فردی می‌توان به تصمیم‌هایی مثل خرید خانه، انتخاب شغل یا مهاجرت اشاره کرد و در سطح اجتماعی به سیاست‌های دولت‌ها و سازمان‌ها در تدوین قوانین و خط‌مشی‌ها.

به باور او هر پیامد ناخواسته حاصل تعامل پیچیده‌ای بین سه گروه عمده از علل و عوامل است. نخست، کنشگرانی که آزادانه تصمیمی گرفته‌اند. مهم نیست این تصمیم چقدر عاقلانه یا احساسی بوده است. آنچه اهمیت دارد اختیار فرد در گرفتن این تصمیم است که می‌توانسته به شکل دیگری باشد. دوم، همه افرادی که به نحوی از این تصمیم تأثیر می‌پذیرند و به آن واکنش نشان می‌دهند. مثل نزدیکان، دوستان،

همسایه‌ها، همکاران یا در تصمیم‌های کلان و در سطوح ملی عموم مردم. سوم، همه متغیرهای محیطی که در این بافت نقش آفرین هستند و معمولاً خارج از اختیار ماقرار دارند. مثلاً زمانی که شغلی را انتخاب می‌کنیم بسته به شرایطی که در آن قرار داریم تا حدودی در این انتخاب آزاد هستیم؛ اما پس از آن تمام اعضای خانواده و نزدیکان ما به نحوی از این تصمیم متأثر می‌شوند. مثلاً ممکن است به دلیل این شغل ناچار به مهاجرت به شهر یا کشور دیگری باشیم و این سفر سر نوشت اعضای خانواده را تغییر می‌دهد. سرانجام کل این فرایند در بافتی متشکل از شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی رخ خواهد داد که می‌تواند نتایج عمل ما را به گونه‌ای باور نکردنی دگرگون سازد.

مؤلف چندین مثال عینی از رخداد‌های جهان معاصر در کتاب ذکر می‌کند تا به شکلی مستند نشان دهد پیامدهای ناخواسته چگونه ظاهر می‌شوند. مثلاً تجربه نشان داده که کمک‌های بلاعوض نهادهای بین‌المللی به کشورهای فقیر، گرچه با نیتی خیرخواهانه انجام می‌شود، در نهایت به نفع محرومان نیست؛ زیرا پول‌های سرازیر شده به این کشورها معمولاً در مسیرهای دیگری صرف می‌شوند. گاه به دلیل فساد اداری نظام‌های حاکم سر از حساب‌های خصوصی حاکمان خود کامه در می‌آورند؛ یا با تأثیر بر بازار عرضه و تقاضا به بیکاری و تورم دامن می‌زنند. به این ترتیب تصمیمی که مبتنی به نیتی مثبت و بشر دوستانه بوده نتیجه‌ای منفی و نامطلوب به بار آورده است.

مثال دیگر تولید سیگارهایی با فیلتر و توتون کمتر است که در ابتدا با هدف کاستن از خطرات نیکوتین انجام شد، اما مدتی بعد تحقیقات نشان داد که فیلتر باعث می‌شود مردم پک‌های عمیق‌تری به سیگارها بزنند و دود

بیشتری جذب ریه‌های آنان شود. افزون بر این توتون و قطران کمتر خود مولد شکل تازه‌ای از سرطان بود که بعدها کشف شد. البته پیامد ناخواسته همیشه منفی نیست و گاه می‌تواند مثبت باشد. مثلاً حفر چاه‌های عمیق در برخی از مناطق روستایی افریقا به ایجاد فرصت تحصیلی برای دختران این روستاها منجر شد؛ زیرا آنان با خلاصی از وظیفه سنتی آوردن آب برای خانواده فراغت برای تحصیل یافتند و سر نوشت بسیاری از آنان به همین دلیل تغییر یافت؛ بنابراین، پیامد ناخواسته الزاماً ناخوشایند نیست. ضمناً پیامد ناخواسته با عواقب «محتمل الوقوع» هم متفاوت است؛ زیرا در نوع دوم امکان پیش‌بینی وجود دارد، اما در نوع نخست اگر نگوییم پیش‌بینی ناممکن است، بسیار بعید خواهد بود.

دومین فصل کتاب به علل پیامدهای ناخواسته مربوط است که نویسنده آن‌ها را به سه گروه علل مربوط به سرشت دنیا، علل مربوط به سرشت عمل و علل روان‌شناختی تقسیم می‌کند. گروه نخست ریشه در پیچیدگی ذاتی جهان دارد؛ زیرا آدمی به رنج همه پیش‌شرفتی که تا امروز در علوم به دست آورده هنوز راهی طولانی برای فهم گوشه‌ای از بیکران هستی در پیش دارد. کوئن می‌نویسد: «در دنیایی که همه چیز در آن به هم پیوسته است، هر تلاش ما برای تسلط بر طبیعت، متضمن این خطر است که بیشتر اسیر و برده طبیعت شویم و مادامی که ما خود را بالاتر از جهان مادی و اشرف مخلوقات می‌دانیم، در نهایت بی‌فکری دست به اقداماتی می‌زنیم که پیامدهای ناخواسته به بار می‌آورند.» (ص. ۶۷). تغییرات اقلیمی اخیر و گرمایش بی‌سابقه زمین که در اثر مداخله بشر در طبیعت رخ داده و حیات همه موجودات زنده را تهدید می‌کند، مثالی روشن از ناتوانی انسان در فهم پیچیدگی هستی است. انسانی که پس از انقلاب صنعتی به جان زمین افتاده و طی دو قرن اخیر چنان بلایی بر سر این کره خاکی آورده که فراتر از باور اوست.

گروه دوم علل ناشی از پیچیدگی در «سرشت عمل» است. البته مفهوم «عمل» (Action) فراتر از «زحمت» (Labor) و «کار» (Work) است. زحمت فعالیت تکراری و بی‌وقفه است که برای زنده ماندن ضرورت دارد، مثل کسب درآمد برای گذران زندگی. کار شکلی فراتر از آن است و ناظر به تلاش هدفمندی است که آغاز و انجام مشخصی دارد. مثلاً صنعتگری که ابزاری می‌سازد نتیجه کارش سال‌ها دوام خواهد داشت. هر چند کار با زحمت همراه است اما به دلیل آنکه به نتیجه‌ای مشخص و ماندگار منجر می‌شود، در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد؛ اما «عمل» در بالاترین سکو ایستاده و بیانگر انسان بودن ماست و با آزادی، ابتکار و خلاقیت همراه است. مثلاً معلمی که با هدف بهبود یادگیری دانش‌آموزان به شیوه‌ای نوین و مبتنی بر آخرین نتایج تحقیقات علوم تربیتی تدریس می‌کند، عملی آزادانه و خلاقانه انجام می‌دهد. به این ترتیب تلاش او را در مرتبه‌ای فراتر از کار و زحمت قرار می‌گیرد؛ زیرا به تعبیر هانا آرنهت او با هدف خلق جهانی نو دست به انتخابی آزادانه زده و خود را در معرض پیامدهای ناخواسته قرار داده است؛ بنابراین، عمل آگاهانه و آزادانه همیشه نیازمند شجاعت است. شجاعت با جهانی که هنوز خودش را به ما نشان نداده و تنها پس از انتخاب آزادانه ما پدیدار خواهد شد. برخی از فلاسفه همچون هانا آرنهت و لودویگ فون میزس<sup>۱</sup> علت پیامدهای ناخواسته را ناشی از پیچیدگی در سرشت عمل می‌دانند. (ص. ۸۲ و ۸۳).

سومین گروه در این مجموعه «علل روانشناسی» است که ریشه در عادات‌های ذهنی بشر دارند و نویسنده به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کند.

**جبر و اختیار متضادند؛ اما در اینجا هم‌زاد یکدیگرند... ضرورت انتخاب آن را به اجباری گریزناپذیر تبدیل می‌کند و این یکی از متناقض‌نماهای بنیادین زندگی است. در نتیجه ما مجبور به انتخاب هستیم و هرگز از آن‌ها بی‌نیازیم.**

مثلاً «خطای یکسان پنداشتن حال و گذشته» دام پنهانی است که سر راه آدمی قرار دارد. انسان تصور می‌کند که در آینده نتایج مشابهی با گذشته به دست خواهد آورد. در حالی که جهان بی‌وقفه در حال دگرگونی است و تعمیم گذشته به آینده اشتباهی استراتژیک است که باید از آن پرهیز کرد. ادوارد مورگان فورستر این خطا را نوعی «تصلب ذهن» می‌داند و می‌نویسد: «متأسفانه بیشتر میان‌سالان دچار تصلب ذهنی می‌شوند ... تجربه هم خطرات خاص خودش را دارد. ممکن است فرزانی در پی داشته باشد، اما باعث سخت شدن ذخیره‌های ذهن می‌شود و نتیجه‌اش انعطاف‌ناپذیری و تصلبی است که فلج‌کننده است.» (ص. ۸۶).

بخش دیگری از علل روان‌شناختی مربوط به تصور نادرست ما از سهم عقل و احساس در جریان تصمیم‌گیری است. عموماً چنین تصور می‌کنیم که انسان موجودی عقلانی است که احساس هم دارد؛ اما واقعیت درست عکس این است. ما موجوداتی کاملاً احساسی هستیم که گاهی هم فکر می‌کنیم! غلبه و تسلط احساسات بر فرایند تصمیم‌گیری به مراتب بیش از آن است که تصور می‌شود. در نتیجه ریشه بسیاری از انتخاب‌های ما بیش از آنکه مبتنی بر استدلال باشد، جست‌وجوی لذت یا فرار از درد است. حتی زمانی هم که به استدلال روی می‌آوریم بیشتر به شواهد مطلوبی تکیه می‌کنیم که تصمیم ما را تأیید می‌کنند و شواهد هشدار دهنده را نادیده می‌گیریم. در نتیجه گرفتار سوگیری در استدلال می‌شویم و این خود منشأ بسیاری از گرفتاری‌هاست.

«یورش لجام گسیخته برای حداکثر استفاده از فرصت‌ها» مشکل دیگری است که انسان معاصر به آن گرفتار شده و گویی گریزی از آن ندارد. در دنیایی که قرار است همه برنده باشند، تعلل در ربودن فرصت‌های طلایی گناهی نابخشودنی است. در نتیجه انسان با حرصی بی‌پایان به شکار فرصت‌ها مشغول است و فرصتی برای نگرانی از پیامدهای ناخواسته ندارد. نتیجه اجتناب‌ناپذیر دوییدن در این مسابقه بی‌پایان بروز اضطراب شدید و فراگیر در عصر جدید است. نگرانی بی‌وقفه‌ای که فیلسوفانی چون آلکسی توکویل، ژان ژاک روسو و مونتسکیو از آن به‌عنوان «بی‌قراری روح» یاد می‌کنند. منظور این فلاسفه از «بی‌قراری» وضعیتی است که آدمی غوطه‌ور در زندگی سوداگرانه خود پیوسته رنج می‌برد و در نهایت دچار انفعالی رقت‌انگیز می‌شود.

فصل سوم کتاب درباره‌ی چالش‌های پیامدهای ناخواسته در برابر چارچوب‌های اخلاقی متداول است. در این فصل کوفن از منظر چهار پارادایم به این موضوع می‌نگرد. نخست اخلاق مبتنی بر اصالت فایده، دوم اخلاق استوار بر اصول اخلاقی، سوم اخلاق بر خاسته از مراقبت و همدلی و چهارم اخلاقی که ریشه در فضیلت دارد. او امتیازها و کاستی‌های هر یک را تبیین می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هیچ‌کدام پاسخی صریح و قطعی برای مواجهه با پیامدهای ناخواسته ندارند.

چهارمین و آخرین فصل کتاب متناظر با فصل نخست است. به این معنا که نویسنده برای مواجهه با علل مختلف پیامدهای ناخواسته در قالب همان سه گروهی که در ابتدا معرفی کرده بود راهکارهایی پیشنهاد می‌کند. او بر این باور است که برای مواجهه با پیامدهای مربوط به سرشت دنیا باید از یک سو با محیط‌زیست و از سوی دیگر با خویشتن خویش آشتی کنیم. سپس مسئولیت‌های خود را بپذیریم. از تمرکز دایی در تصمیم‌گیری پرهیز کنیم و از دانش همه‌گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده سود ببریم.

پیشنهاد او برای چیرگی بر پیامدهای مربوط به سرشت عمل نیز ماهیتی مشابه دارد و خواننده را به دوراندیشی، مدارا و توجه به تخصص در تصمیم‌گیری دعوت می‌کند. در پایان نیز یادآور می‌شود از گذشته و اشتباهات خود بیاموزیم و در به‌کارگیری نظریه‌ها هوشمندانه عمل کنیم.

ضمن آنکه همیشه مراقب سوگیری‌های عوامانه در انتخاب‌های خود باشیم و بکوشیم تعصب‌های خود را بشناسیم و از آن‌ها پرهیز کنیم. در پایان به این نتیجه می‌رسد که «برای پرهیز از پیامدهای ناخواسته، هیچ راه حل منحصر به فرد و کلیدی که همه‌قفل‌ها را باز کند وجود ندارد» (ص. ۱۳۰) اما به مخاطب یادآور می‌شود مجموع راهکارهای این کتاب مقوله‌هایی هستند که می‌توانند محورهای خوبی برای گفتگو و تأمل بیشتر در این زمینه باشند.

### سخن پایانی

همزیستی با زدها کتابی است برای همه ما؛ زیرا ما همگی مجبور به انتخابیم و چاره‌ای جز مواجهه با پیامدهای هر انتخاب نداریم. تصمیم‌گیری چنان در تار و پود زندگی تنیده که زیستن بدون آن میسر نیست. تصمیم‌های ریز و درشتی که سر نوشت ما را رقم می‌زنند و شخصیت هر یک از ما در پرتو همین فرایند تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد. گویی آدمی با هر تصمیم جدید آجری از ساختمان وجود خویش را می‌سازد.

به سخنی دیگر، هویت و شخصیت هر انسان بیش از هر چیز مبتنی بر مجموعه تصمیم‌هایی است که در طول زندگی گرفته است؛ اما مهارت تصمیم‌گیری به تنهایی کافی نیست و ما به هنر مکملی نیاز داریم که از آن برای مراقبت از خویش در برابر پیامدهای ناخواسته بهره ببریم؛ زیرا نه می‌توان دست از عمل آزادانه کشید و نه می‌توان همه‌عواقب ممکن را پیش‌بینی کرد. تنها راهی که باقی می‌ماند آموختن هنر همزیستی با زدهای است که در کمین تصمیم‌های ما نشست و ویر یازود خودش را نشان می‌دهد. نه می‌توان این زدها را کشت و نه می‌توان از آن گریخت. بهترین گزینه موجود رام کردن زدهاست تا خسارت زیادی به بار نیآورد و زندگی را از آنچه هست دشوارتر نسازد.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه چارلز استورت، استرالیا

(y.mansourian@gmail.com)

### منابع

- رهادوست، بهار. (۱۳۷۳). چهار اندوه (مجموعه شعر)، تهران: نشر شاهین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). پنج پرده از چهار فصل عشق (مجموعه شعر)، تهران: نشر هزاران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). شش لحظه تا محال (مجموعه شعر)، تهران: نشر هزاران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). شعر بی‌هوازی (مجموعه شعر)، تهران: نشر سالی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: نشر کتابدار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). چرا نویسنده بزرگی نشدم؟ پژوهشی کیفی به روش فرهنگ‌نگاری روایی، تهران: ناھید.
- کومار، کریشان. (۱۳۷۴). روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه بهار رهادوست، تهران: کتابخانه ملی.
- کوئن، دارل. (۱۳۹۵). سرشت شر. ترجمه بهار رهادوست، تهران: نشر هنوز.

1. Unintended Consequences
  2. Unanticipated Results
  3. Unforeseen Outcomes
  4. Daryl Koehn
  5. DePual University (<https://www.depaul.edu/>)
  6. Ground of Professional Ethics
  7. Rethinking Feminist Ethics
  8. The Nature of Evil
۹. مروری بر کتاب چرا نویسنده بزرگی نشدم: پژوهشی کیفی به روش فرهنگ‌نگاری روایی: جهان کتاب، س ۱۸، ش ۸ و ۹، صص ۴۷-۴۹.
10. Ludwig von Mises